

تصویر و ویژگیهای دانش آموزان خلاق در آئینه تحقیقات

دکتر بختیار شعبانی ورکی

استادیار علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

بررسی هدف‌های آموزش و پرورش در آستانه هزاره سوم نشان می‌دهد که مواجهه با مسائل فردی و اجتماعی پیچیده، مستلزم پرورش افرادی است که بتوانند بطور خلاق بیندیشند. این موضوع اکنون در کانون توجه بسیاری از اندیشمندان و مدیران جوامع - بویژه جوامع در حال توسعه - قرار گرفته است. از سوی دیگر تحقق این هدف مستلزم درک روشن ویژگیهای افراد خلاق است. برای این منظور نخست مجموعه‌ای از پژوهش‌های موجود، مورد بررسی قرار گرفته، آنگاه در یک طرح نظام‌یافته، ویژگیهای دانش‌آموزان خلاق به تصویر کشیده شده است.

مقدمه

خلاقیت و نوآوری در هر دوره‌ای از تاریخ، به‌عنوان قدرت اساسی ذهن بشر، هدف اصلی مدارس بوده است. با این وجود، تدابیری که برای تحقق این هدف اتخاذ شده است، تاکنون نتایج سازنده‌ای را در بر نداشته است. بر این اساس، بسیاری از انتقادهای جدی درباره نظام آموزشی ما را می‌توان از لحاظ کمیابی خلاقیت و آفرینندگی دسته‌بندی کرد. گرایش ما در آموزش و پرورش،

تبدیل دانش‌آموزان به اشخاص همرنگی است که تحصیلاتشان را با کسب نمرات قبولی به پایان می‌رسانند؛ نه افرادی که دارای اندیشه خلاق باشند. در علوم، صنعت، کشاورزی، زندگی فردی و خانوادگی و ... شمار کسانی که بتوانند به گونه‌ای خلاق ظاهر شوند، واقعاً اندک است. بنابراین، این سؤال مطرح می‌شود که:

خاستگاه این مسأله مهم و قابل توجه چیست؟ فرض ما این است که: هنوز محور اصلی کار، یعنی «ماهیت خلاقیت» در حاله‌ای از ابهام باقی است؛ بدین معنی که بدون شناخت اینکه خلاقیت چیست و مختصات آن کدام است، هر کوشش تربیتی عقیم خواهد بود.

تا قبل از دهه ۱۹۵۰ میلادی، صرفاً تعداد بسیار محدودی از مقالات پژوهشی در مورد خلاقیت در ادبیات علمی می‌توان یافت؛ ولی بعد از دهه ۱۹۵۰ تحقیقات در این حوزه، افزایش چشمگیری پیدا کرده و نتایج ارزنده‌ای را به دنبال داشته است. تأسیس مراکز تحقیقاتی در زمینه خلاقیت در دانشگاه‌های کالیفرنیا، جنوبی، یوتا، پنسلوانیا، شیکاگو، بوفالو، میشیگان، ایلنویز، مینه‌سوتا و ... از پیامدهای علاقه‌فزاینده به مطالعه در قلمرو تفکر خلاق است. با وجود این رشد فزاینده، متأسفانه هنوز خلاقیت در حوزه تحقیقات علمی کشور ما، جایگاه واقعی خودش را پیدا نکرده است؛ بعلاوه بر پایه فرض اساسی‌مان، ملاحظه می‌شود که امروزه حتی در کشورهای پیشرفته دنیا، فاصله بین واقعیت‌ها و ایده‌آل‌ها در این زمینه، همچنان قابل ملاحظه است؛ آن‌گونه که بنظر می‌رسد، خلاقیت هر روز کمتر از پیش، مبنای تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد. اگرچه تقریباً هیچ‌کس به لحاظ نظری اهمیت پرورش قدرت تفکر خلاق را در مدارس مورد تردید قرار نمی‌دهد، و با اینکه از لحاظ تئوری در مقایسه با آنچه که در عمل جریان دارد، توجه بیشتری به این امر می‌شود؛ مع‌هذا از این جهت نیز اولیاء مدارس آن‌طور که شاید، متوجه رشد استعداد همگانی خلاقیت شاگردان نیستند. از این رو، و نظر به ضروریات دنیای جدید، بررسی و تکاپوی دقیق و مداوم در ابعاد مختلف خلاقیت، امری اجتناب‌ناپذیر است. گوان* همه مسائلی مربوط به خلاقیت را طبقه‌بندی کرد. یکی از مقولات اساسی در این طبقه‌بندی ویژگیهای افراد خلاق

است. مطالعه و شناخت این ویژگیها به ما امکان می‌دهد، تا ضمن درک شرایط مناسب بروز خلاقیت، زمینه‌های لازم را برای پرورش این استعدادهاى ذاتی در سایر دانش‌آموزان فراهم آوریم. بنابراین می‌توان گفت که خصوصیات خلاقیت می‌تواند (و باید) به‌عنوان اهداف اساسی در تعلیم و تربیت مورد توجه تمام مربیان، در تمام مراکز آموزشی قرار گیرد. در این مقاله، کوشش شده است، به استناد بخش قابل توجهی از پژوهش‌های قابل اعتماد، رهیافت‌های تحقیقات مربوط به قلمرو خلاقیت را مورد بررسی قرار داده و با انسجام آنها در یک طرح نظام‌یافته (و با ترکیبی جدید)، ویژگیهای دانش‌آموزان اخلاق به تصویر کشیده شود.

خطوط کلی پژوهشها درباره ویژگیهای افراد اخلاق

یکی از روش‌های جدید در تحقیقات تربیتی، روش فراتحلیلی است. در نگارش این مقاله تا حد زیادی از این روش استفاده شده است و بر پایه آن، جستجوی الگویی نوین در کانون اصلی پژوهش قرار گرفته است. اگرچه ویژگیهایی که افراد اخلاق را از افراد غیرخلاق متمایز می‌کنند، بی‌شمارند؛ ولی به منظور رعایت نظم و انسجام، تقریباً تمام آنها - با نظر به یافته‌های تحقیقات موجود - در چند شاخه اصلی دسته‌بندی شده، آنگاه با ارائه پشتوانه‌های تحقیقاتی برای هر یک از مقولات، ویژگیهای افراد اخلاق تحلیل شده‌اند. گو اینکه ارتباط و به عبارت دقیق‌تر، درهم‌تنیدگی این مقوله‌ها با هم، همواره مورد نظر قرار گرفته است.

الف: تحقیقات مربوط به رابطه خلاقیت و جنسیت

سؤال اصلی این دسته از تحقیقات این است که آیا جنسیت در خلاقیت مؤثر است یا خیر؟ به عبارت دیگر پسر یا دختر، کدامیک اخلاق‌ترند؟ تحقیقات در این زمینه نتایج متفاوتی را نشان داده‌اند. پاره‌ای از محققان نشان داده‌اند که مردان نسبت به زنان اخلاق‌ترند (جلی - ای - میلتون)*

و گروهی دیگر دریافته‌اند که تفاوت معنی‌داری از این نظر در دو جنس وجود ندارد. مثلاً گیلفورد* و یا ماموتو** در مطالعات خود تفاوت خلایقیت در دو جنس را مورد مطالعه قرار داده‌اند و دریافته‌اند که در اندازه‌گیریهای آنها هیچگونه تفاوتی در دو جنس وجود ندارد؛ موارد اندکی بود که دو جنس با هم اختلاف داشتند.^(۱) تورنس*** تحقیقی تحت عنوان «تشخیص نقش جنسیت در تفکر خلاق، انجام داد و تفاوت مهمی بین امتیازهای جنسیت برای مرد یا زن نشان داده نشد.^(۲) جاویدی براساس تحقیقی که در سال ۱۳۷۳ روی دانش آموزان شهر تهران به عمل آورده، تفاوت میانگین نمرات خلایقیت دو گروه دختران و پسران را محاسبه کرده و چنین نتیجه می‌گیرد که: اگرچه میانگین نمرات خلایقیت پسران بیشتر از نمرات خلایقیت دختران بدست آمده؛ ولی براساس نتایج حاصله از محاسبه آزمون t برای گروههای مستقل، تفاوت مشاهده شده به لحاظ آماری در سطح (1/5 = و 5/ =) معنی‌دار نیست. و بنابراین، این فرض که میانگین نمرات خلایقیت پسران بیشتر از میانگین نمرات خلایقیت دختران است، رد می‌شود.^(۳)

بدین ترتیب درمی‌یابیم که هر قدر خلایقیت افراد را در سنین پایین محاسبه و مقایسه کنیم، تفاوتها کم‌رنگ‌تر شده و شاید بتوان چنین نتیجه گرفت، که تفاوت ناچیزی که بین نمرات خلایقیت دختران و پسران دیده می‌شود، بیشتر به نفوذ فرهنگی جامعه مربوط است. احتمالاً ارزشی که اجتماع برای نقش جنسیت قائل است، منشاء اصلی این تفاوتها باشد. بنابراین پسران، فی‌نفسه دارای قدرت خلایقیت بیشتری نسبت به دختران نیستند و در نتیجه در راستای پرورش خلایقیت، عامل جنسیت، نمی‌تواند نقش مهمی را ایفا کند و بیش از آن، عوامل فرهنگی - اجتماعی را باید مد نظر قرار داد.

ب: تحقیقات مربوط به هوش و خلایقیت

سؤال اساسی این دسته از تحقیقات این است که آیا افراد خلاق، ضرورتاً باهوش‌تر از افراد

* Guilford

** Yamamoto

*** Torrance

غیرخلاق هستند؟

محققان اغلب این سؤال را براساس نتایج آزمونهای هوشی و نیز آزمونهای خلاقیت، مورد ارزیابی قرار داده‌اند. پاسخ‌های مربوط به این سؤال را می‌توان به‌گونه زیر خلاصه کرد:

۱- ب پاره‌ای از پژوهشگران به همبستگی ضعیفی بین آزمونهای هوش و آزمونهای خلاقیت دست یافته‌اند. این دسته از محققان خلاقیت را به عنوان بعد جدیدی، که تا حدی مستقل از هوش است، مورد نظر قرار داده‌اند. (گلیفورد، گتسلز*، جکسن**، والچ***، کوگن****، تورنس، سن***** و کنت*****)

۲- ب گروهی از محققان به استناد نتایج تحقیقاتشان، پیشنهاد می‌کنند که رابطه بین خلاقیت و هوش را باید براساس یک (نظریه آستانه‌ای) تبیین کرد. بدین ترتیب که: (وقتی بهره هوش پایین‌تر از حد معینی است، خلاقیت نیز محدود است؛ درحالی‌که فراتر از این حد (بهره هوش = ۱۲۰ - ۱۱۵) خلاقیت به منزله بُعدی مستقل در می‌آید؛ (به عبارت دیگر حدی از طراز عقلی به منزله یک شرط لازم (و نه کافی) تحول خلاقیت محسوب می‌شود. (تورنس، کراپلی*****، هازان***** و بوچر*****)

۳- ب گروهی از محققان به وجود رابطه خطی میان بهره هوش و خلاقیت قائلند، بنابراین فرض (استقلال) و نیز (نظریه آستانه‌ای) را رد کرده‌اند. (هولند*****، مس‌تلر***** و سی‌سی‌رلی*****)

۴- ب و بالاخره گروهی بر این باورند که دستیابی به یک طرح تعمیم‌پذیر، درباره روابط بین

※ Getzels

※※ Jackson

※※※ Wallach

※※※※ kogon

※※※※※ Sen

※※※※※※ Knat A

※※※※※※※ Cropley

※※※※※※※※ Hasan

※※※※※※※※ Butcher

※※※※※※※※※ Holand

※※※※※※※※※ Mosteller

※※※※※※※※※※ Cicirelli

هوش و خلاقیت بسیار مشکل است. به اعتقاد این محققان ناهمگرایی زیاد نتایج پژوهش‌های مختلف، ناشی از این است که آزمونهای مورد استفاده، همواره یکسان نبوده‌اند و نقش نظام آموزشی در نظر گرفته نشده است. (هادن*، لایتون** و هیک سن***) البته در این میان کسانی هم هستند که معتقدند، تعیین طراز عملیاتی (براساس نظریه پیاژه) می‌تواند بر غنای تحقیقات در قلمرو هوش و خلاقیت بیفزاید. (۴) (لاول،**** شیلدز*****). اگر چه اتخاذ موضعی قاطع درباره روابط بین هوش و خلاقیت، اسرارآمیز می‌نماید؛ ولی تصمیم‌گیری در مواقع مبهم - با نظر به مدارک و دلایل موجود - نیز از اهمیت قابل ملاحظه برخوردار است. اگر هوش را توانایی یادگیری معنی کنیم و یادگیری را پایه‌ای برای بروز یک فکر نو، آنگاه بر حسب یک قاعده منطقی، می‌توانیم پی به رابطه هوش و خلاقیت ببریم. گو اینکه امروزه تحقیقاتی که وجود چنین رابطه‌ای را تأیید کرده‌اند، تقریباً فراوان است. بنابراین می‌توانیم چنین نتیجه بگیریم که اگرچه هوش و خلاقیت دو کیفیت متفاوت هستند، متأثر از همدیگر نیز هستند. به عبارت دیگر، می‌توان به رابطه تعاملی بین آنها قائل شد.

ج) تحقیقات مربوط به خلاقیت و پیشرفت تحصیلی

سؤال اصلی این دسته از تحقیقات این است که آیا افراد خلاق از نظر پیشرفت تحصیلی در سطح بالایی قرار دارند؟ پیشرفت تحصیلی معمولاً با آزمون‌های پیشرفت تحصیلی و یا آزمون‌های معمول در مدارس سنجیده می‌شود. نتایج حاصل از این دسته از آزمون‌ها، بنابه تحقیقات علمی، با نمرات حاصل از آزمون‌های خلاقیت رابطه معناداری ندارد. کودکانی که در کلاس درس، بهترین نمرات را بدست می‌آورند؛ بدون تردید در کارهای حافظه‌ای رکورد خوبی بدست می‌آورند ولی این بدان معنی نیست که آنان

* Hadon

** Lytton

*** Hickson

**** Lovell

***** Shields

در خلق ایده‌های جدید نیز بهمان اندازه موفق هستند. براساس آزمایش‌های علمی در مورد استعداد خلاقیت، تفاوت کمی بین افراد همسن دانشگاه دیده و غیردانشگاهی وجود دارد. بسیاری از افراد با تحصیلات بالا، خلاقیت، کمی را از خود نشان داده‌اند. تیلور* و همکارانش بیان کردند که بین نمرات آزمون‌های پیشرفت تحصیلی و نمرات خلاقیت، همبستگی بالایی بدست نیامده است.^(۵)

گری گورنکو** و کلین‌کن‌بی‌رد*** با تحقیق روی ۲۷۰ دانش‌آموز با میانگین بین ۱۵-۱۰ سال به این نتیجه رسیدند که افراد خلاق نسبت به افراد غیرخلاق، در آزمون موفقیت تحصیلی، قوی‌تر عمل کردند. لوپز**** و همکاران در تحقیقی، ارتباط میان خلاقیت و موفقیت تحصیلی، هوش و استدلال غیرکلامی را مورد آزمون قرار داده‌اند و یک نتیجه این بود که ارتباط بین هوش و خلاقیت و نیز موفقیت تحصیلی و خلاقیت، متوسط است. سن و کنت***** نیز به عدم وجود رابطه معنی‌دار بین خلاقیت و موفقیت تحصیلی رسیدند.

آنچه مسلم است، کسب معارف بشری لازمه بروز یک فکر خلاق است. اما اینکه چرا تحقیقات، نتایج متفاوتی را نشان می‌دهند، نکته قابل ذکر این است که: با توجه به نظام بانکی (بده - بستان) آموزش و پرورش که فراگیران را به سوی همنوایی و همگرایی و سازگاری با وضعیت موجود می‌کشانند، انتظار یافتن همبستگی بالا بین خلاقیت (که اساساً بر تفکر واگرا تأکید دارد) و پیشرفت تحصیلی (که بر تفکر همگرا تأکید می‌کند) غیر منطقی و بیهوده است. با وجود این نباید از نظر دور داشت که برای پرورش تفکر خلاق، رشد مهارت‌های همگرا به همان اندازه مهم است که پرورش مهارت‌های واگرا. مهارت‌های همگرا در واقع تعیین‌کننده کیفیت محصولی است که سرانجام از طریق تفکر خلاق به آن می‌رسیم. افرادی که بیش از حد خلاقند، قادرند هر دو مهارت همگرا و واگرا را بخوبی از خود نشان دهند.^(۶)

* Taylor

** Grigorenko

*** Clinkenbeard

**** Lopez

***** knut

د) تحقیقات مربوط به خلاقیت و رابطه آن با ویژگی‌های شخصیتی خصوصیات ویژه کودکان پراستعداد و خلاق، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان جهان بوده است. تحقیقات در این زمینه نیز بسیار زیاد است، ولی امکان ارائه همه آنها در این مختصر وجود ندارد. براین اساس، صرفاً به گزیده‌ای از مجموع پژوهشها در این رابطه پرداخته می‌شود. این دسته از تحقیقات مترصد پاسخ به این سؤال هستند که چه صفات شخصیتی به تحقق اثرات مثبت خلاقیت کمک می‌کند و چه صفاتی منجر به اثرات منفی می‌شود؟ به عبارت دیگر، مسأله در اینگونه پژوهشها این است که چه رابطه‌ای بین خلاقیت و شخصیت وجود دارد.

۱- د خلاقیت و خودپنداری: مزلو* بین خلاقیتی که شایستگی ویژه‌ای را در زمینه‌ای خاص ایجاب می‌کند (مثلاً خلاقیت هنرمندان) و خلاقیتی که صرفاً خودشکوفایی انسان محسوب می‌شود، فرق می‌گذارد و خاطر نشان می‌سازد که افراد واجد خلاقیت "خودشکوفایی"، ضعف نفس کمتری دارند و از خود و دیگران کمتر می‌ترسند و این همان چیزی است که به آنها اجازه می‌دهد، از طرف دیگران آسانتر پذیرفته شوند و نیز واقعیت را آسانتر بپذیرند. بهاتناگار** روانشناس هندی، در پژوهش خود نشان داد که جوانان با توانایی‌های کم، به وابستگی گرایش دارند؛ در حالی که ویژگی دانش‌آموزان با استعداد، استقلال و گرایش به استقلال است. کاشدان*** و ولش**** با مقایسه دانش‌آموزان دبیرستانی دارای توانایی‌های خلاق بالا و پایین، متوجه شدند که مشخصه گروه اول درجه بالایی از عدم سازشکاری است و گروه دوم برای موفقیت و تأیید خارجی کوشش می‌کنند.

سلابرت***** خلاقیت را در زمینه تربیتی آزمون کرد و دریافت که معلمان می‌توانند شخصیت خلاق را در دانش‌آموزان، از طریق پرورش استقلال، به واسطه اعطای مسئولیت و

* Maslow

** Bhatnagar

*** Cashdan

**** Welsh

***** Slabbert

طراحی تسهیلات محیط برای یادگیری، رشد دهند. کوسا* در پژوهش خود تحت عنوان "استقلال و همکاری ابعاد اجتماعی خلاقیت"، به اهمیت نقش استقلال و اعتماد در رابطه با شایستگی‌های خلاقیت یک فرد، اشاره کرد و آن را مورد تأیید قرار داد.

۲- د خلاقیت و هم‌رنگی: ملاحظه شد که افراد خلاق به استقلال‌گرایی دارند، در مقابل فعالیت ذهنی مستقل، هم‌رنگی است. اش** اولین تحقیق را در این مورد انجام داد و نشان داد که افراد معینی مجبور می‌شوند تحت فشار اکثریت، باورهایی را بپذیرند که با آمادگی‌های ادراکی خود آنها در تعارض است؛ در حالی که عده‌ای دیگر تسلیم فشار گروه نمی‌شوند و استقلال قضاوت خود را حفظ می‌کنند. این تفاوت افراد را به سازشکار و غیرسازشکار تقسیم می‌کند، که دومی از خصوصیات افراد خلاق است. کروج‌فیلد*** پیشنهاد کرد که بین هم‌رنگی حقیقی، که از طریق اعتماد ضعیف آزمودنی راجع به قضاوتش بوجود می‌آید و او را آماده می‌کند تا فرض کند گروه محق است و وی اشتباه می‌کند و هم‌رنگی مصلحتی، که در آن آزمودنی عمداً ابراز موافقت ظاهری با گروه را انتخاب می‌کند و در قضاوت درونی او تأثیری ندارد، تفاوت گذاشته شود.

او در افراد هم‌رنگ، نیرویی درونی تشخیص داد که مانعی بزرگ در فهم و قضاوت صحیح واقعیت توسط اوست و بدینسان بر تفکر خلاق او اثر مخربی دارد. فردی که مشخصه او هم‌رنگی است، راجع به کفایت خود نامطمئن است؛ از بی‌ثباتی بیم دارد و در جستجوی حمایت گروه، قضاوت آنها را بدون انتقاد می‌پذیرد و به اصول آنها کاملاً وفادار است. و بالاخره هرگاه که باید برداشتی خلاق نشان دهد، که ظاهراً وجود او را تهدید می‌کند، احساس خطر می‌کند.

۳- د توجه به تأثیر خود بر خلاقیت: لهمن**** و ادوینس***** مهارت‌های اجتماعی، احساس ارزش به خود، احساس آزادی شخصی، تمایلات ضداجتماعی کمتر، روابط

* Kusa.D

** Ash

*** Crutchfield

**** Lehman

***** Edwins

مدرسه‌ای و رضایت از خود و روابط متقابل فردی را، در افراد خلاق، بهتر از افراد عادی یافتند. پولن* صفات شرکت در فعالیتهای فوق برنامه، اجتماع پذیری، خودپذیری و برخی مشخصه‌های شخصیتی دیگر را در افراد سرآمد، بارزتر ذکر کرد.

مایلز** در رتبه‌بندی‌هایی که نوجوانان از خود به عمل آوردند، تواضع، همکاری، گرایش به ارائه پیشنهاد، خودمداری، اراده مستقل، نشاط طلبی و اطمینان به خود بیشتری را در افراد خلاق نشان دادند. وایزبرگ*** و اشنپگر**** در مورد شخصیت کودکان کاملاً خلاق تحقیقی را انجام دادند. در این تحقیق از موادی از آزمون مینه‌سوتا، مصاحبه‌های روانپزشکی، آزمون رورشاخ و تکنیک "یک خانواده رسم‌کن" استفاده شد. کودکان کاملاً خلاق در مقایسه با کودکانی که خلاقیت کمتری داشتند در استحکام تصویر ذهنی خود، رشد "من" و ... نمره بالاتری بدست آوردند. در این کودکان کنترل خود، در حد نوجوانان عادی بود. آزمونهای نرافکن، گرایش به سمت پاسخ‌های غیر قراردادی و خیال‌پرورانه را در آنها نشان داد که اطمینان به خود و استحکام خودپنداری آنها را می‌رساند. اینان از گروه غیرخلاق حساس‌تر و مستقل‌تر بودند. گزل و جکسون نیز تحقیقی درباره مشخصه‌های شخصیتی نوجوانان کاملاً خلاق انجام دادند.

در این پژوهش نوجوانان کلاسهای ۷ تا ۱۲ برای مطالعه و مقایسه انتخاب شدند؛ آنها یک گروه خلاق بالا (۲۶ نفر) و یک گروه غیرخلاق (۲۸ نفر) را از نظر خصیصه‌های فردی مورد مقایسه قرار دادند. در مقایسه دو گروه، یافته‌های زیر بدست آمد: ارزشهای دو گروه تا حد زیادی متفاوت بود. گروه با خلاقیت بالا بیشتر به کیفیت‌هایی تمایل داشتند که احساس می‌کردند معلم، کمترین اهمیت را به آنها می‌دهد. و در استفاده از موضوعات غیرمنتظره، عدم متابعت از دیگران و ابراز وجود، از گروه مقایسه نمرات بالاتری گرفتند.

تایدول***** نشان داد که ۱۵۹۳ نفر از دانش‌آموزان سرآمد پایه دهم، در فرم‌های میزان

* Pollen

** Miles

*** Wiesberg

**** Spinger

***** Tidewell

خودپنداری پیرس - هاریس*، خودپنداری بهتری نشان دادند؛ اما در میزان احترام به خود در حد طبیعی بودند.

۴ - د خودشکوفایی و خلاقیت: تمام این اندیشه‌ها می‌تواند متضمن مفهومی باشد که مطابق آن، گرایش به "ابراز وجود" یا خودشکوفایی، انگیزه جهت‌دهنده خلاقیت است. طرفداران مفهوم "ابراز وجود" اشتیاق فعال آزمودنی، برای اثبات شخصیت خود او را تقریباً در تمام تظاهرات فعالیت وی تشخیص می‌دهند.

این روند حتی در تغییرات موضوع اصلی، توسط هنرمند آشکار است، که برخی از روان‌شناسان آن را به عنوان گرایش هنرمند برای تغییر واقعیت تفسیر می‌کنند. هنرمند این تغییر را زمانی بوجود می‌آورد که موضوع تا حد ممکن به اندیشه خود او نزدیک شود. مثلاً پیکاسو** اشاره کرد: "وقتی ما کوبیسم را ابداع کردیم، قصد ابداع آن را نداشتیم؛ بلکه کوبیسم فقط بیانی از آنچه در ما وجود داشت بود."

۵ - د آموزش فراشناختی و خلاقیت: جاسویک*** در یک بررسی روی ۱۶ دانش‌آموز متوسطه و ۲۱ دانشجوی دانشگاه، پس از آموزش عناصر فراشناخت (آگاهی درباره مسأله، استراتژی‌ها و زمان (موقع) و نحوه استفاده از استراتژی‌ها) عملکرد حل مسأله دانش‌آموزان و دانشجویان را ارزیابی کرد. نتایج نشان داد که آموزش فراشناختی در افزایش قابلیت فراگیری برای حل مسائل و ارائه افکار جدید مؤثر است.

۶ - د سایر ویژگیهای افراد خلاق: استاین**** مطالعات انجام شده درباره ویژگیهای افراد آفریننده را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که افراد آفریننده دارای ویژگیهای زیر هستند:

- انگیزه پیشرفت سطح بالا؛

- کنجکاوی فراوان؛

* Piers - Harris

** Picasso

*** Jausovec

**** Stein

- علاقه‌مندی زیاد به نظم و ترتیب در کارها؛
 - قدرت ابراز وجود و خودکفایی؛
 - شخصیت غیرمتعارف، غیررسمی و کامروا؛
 - پشتکار و انضباط در کارها؛
 - استقلال؛
 - طرز فکر انتقادی؛
 - انگیزه‌های زیاد و دانش وسیع؛
 - اشتیاق و احساس سرشار؛
 - زیباپسندی و علاقه‌مندی به آثار هنری؛
 - علاقه کم به روابط اجتماعی و حساسیت زیاد نسبت به مسائل اجتماعی؛
 - تفکر شهودی؛
 - قدرت تأثیرگذاری بر دیگران.
- تورنس (۱۹۸۰) بعد از بیست و دو سال مطالعه مستمر پیرامون ویژگی‌های گروهی از کودکان و نوجوانان، به این نتیجه می‌رسد که خمیرمایه شخصیت افراد خلاق، استقلال اندیشه و شیفتگی فراوان آنها در برابر مسأله یا فعالیت مورد علاقه‌شان است.
- تورنس (۱۹۸۳) شجاعت، صداقت، استقامت، کنجکاوی و تمایل برای ریسک (خطر) کردن را صفات دیگر افراد خلاق می‌داند. دوریس جی. شل کراس* نویسنده کتاب "آموزش رفتار خلاق و استعداد‌های درخشان در دانش آموزان"، برخی از ویژگی‌های افراد خلاق را عبارت‌از: علاقه‌مندی به تجربه و آزمایش استقلال، اعتماد به نفس، میل به ریسک کردن، لذت بردن از آزمایش، حساسیت به مسائل، احساس امنیت، شجاعت فردی، گرایش به کارهای پیچیده، کنترل خود، پشتکار، کنجکاوی، اظهار وجود، تحمل بی‌نظمی، تحمل ابهام، انگیزش و رفتار نامتعارف می‌داند.

استانا* در نتیجه تحقیق خود نشان داد که خلاقهای بالا، اضطراب کمتری از افراد با قدرت خلاقیت پایین داشتند. دینکا** در تحقیقی به بررسی نقش ویژگیهای شخصیت در تبیین خلاقیت پرداخته و به این نتیجه رسیده است که دانش‌آموزان خلاق، نسبت به دانش‌آموزان غیرخلاق، از قابلیت معاشرت و نیز قابلیت انعطاف بیشتری برخوردارند. ال گوی پرفدانه*** استاد دانشگاه هاروارد، با بررسی اطلاعات آزمایشگاهی و مطالعه زندگینامه افراد خلاق، نظریه "الگوی برف‌دانه‌ای خلاقیت"**** را مطرح کرده است. الگوی پرفدانه، همچون برف‌دانه شش‌پری که هر پر آن ساخت پیچیده‌ای دارد، شش خصیصه روان‌شناختی مرتبط، و در عین حال متمایز، را که در افراد خلاق وجود دارد، در برمی‌گیرد. او می‌گوید که ممکن است افراد خلاق، هر شش خصیصه را هم نداشته باشند؛ اما ظاهراً هر کس که تعداد بیشتری از این خصیصه‌ها را داشته باشد، خلاق‌تر است. این شش خصیصه عبارتند از: علاقه وافر به نظم، توانایی طرح مسأله، فعالیت ذهنی، بی‌باکی و علاقه به انجام کارهایی که با ریسک توأم است، عینیت‌گرایی و انگیزه درونی. (۸ و ۷)

خلاقیت: قدرتی فراگیر یا انحصاری

یکی از سئوالات اساسی در مباحث مربوط به خلاقیت این است که آیا صرفاً تعداد معدودی از انسانها هستند که از قدرت خلاقیت برخوردار هستند و یا اینکه تقریباً همه انسانها از این قدرت خارق‌العاده نصیبی دارند؟ همان‌طوری که گذشت، توجه به خصوصیات ویژه افراد خلاق از زمانهای قدیم مطرح بود.

افلاطون در کتاب "جمهوریت" خود گزینش کودکان پر استعداد را، حتی از میان خانواده‌های کشاورزان و صنعتگران تجویز می‌کرد. در قرن پانزدهم، سلطان محمد فاتح مدرسه مخصوصی در قصر خود تأسیس کرد و زیباترین، قوی‌ترین و با استعدادترین کودکانی را که مستوفیان او از

* Asthana

** Dinca.M

*** Perkins

**** Snow flke model of creativity

سراسر امپراطوری با خود می‌آوردند، در آن به تحصیل واداشت. هدف این مدرسه ایجاد افکار بزرگ در کالبد‌های بزرگ بود. او این افراد را پس از اتمام تحصیلات به مناصب مهم می‌گماشت. جفرسون نیز در یادداشتهای خود پیشنهاد کرد که هر ساله از بین کودکان بی‌بضاعت و غنی، شایسته‌ترین نوابغ را در مدرسه مخصوصی گردآورند.

ولی امروزه، دیگر چون گذشته، خلاقیت را خاص معدود افراد نخبه نمی‌دانند و این نظر عمومیت دارد که تمام مردم قادر به اجرای اعمال خلاق هستند. در گذشته و حتی در حال حاضر نیز، بعضی از روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت، تصور خلاقیت و ابتکار را براساس ویژگیهای شخصیتی تعریف کرده‌اند و بدینسان بین اشخاص خلاق و دیگران تفاوتی بالقوه قائل شده‌اند (مثل راف * ۱۹۶۰ و گیلفورد ۱۹۶۰). ولی در حال حاضر فراگیر بودن خلاقیت به عنوان یک اصل تقریباً مسلم پذیرفته شده است.

تیلور** ادعا کرد که خلاقیت به خصوص در تمام سنین، در برخی جنبه‌ها، در تمام فرهنگها و تا حدی در تمام زمینه‌های کار و کوشش انسانی، بوقوع می‌پیوندد. پرکینز معتقد است که تاسی چهل سال آینده شیوه‌های تفکر توأم با خلاقیت را، نه تنها هنرمندان، مخترعین و دانشمندان، که بسیاری از مردم عادی، بکار خواهند گرفت.^(۹) شل‌کراس براین باور است که: "خلاقیت را نمی‌توان فقط در انحصار عده‌ای معدود نظیر: موتسارها، رامبرنداها و اینشتین‌ها دانست. اگرچه استعدادهایی که این قبیل افراد از آن برخوردارند در سطحی بسیار بالاتر است؛ اما این صفتی نیست که بتوان آن را تنها مختص آنها دانست.

خلاقیت در همه ما موجود است. این قابلیت است که افراد انسانی را در مقامی بالاتر از همه موجودات قرار می‌دهد. توانایی‌های خلاق، همچون سایر انواع هوش، به درجات متفاوت در همه ما وجود دارد. آنچه برعهده ما گذاشته شده است، این است که آنها را شکوفا ساخته و به خدمت بگیریم.^(۱۰)

بنابراین ملاحظه می‌شود که آنچه در بروز یک رفتار خلاق اهمیت پیدا می‌کند، به میزان قابل توجهی به عوامل و شرایطی مربوط می‌شوند که برای تحقق این هدف تدارک دیده می‌شوند. لذا این تصور که خلاقیت انحصاری است، امروز تقریباً مردود تلقی شده و به عکس، عمومیت نسبی آن، به میزان زیادی، پذیرفته شده است.

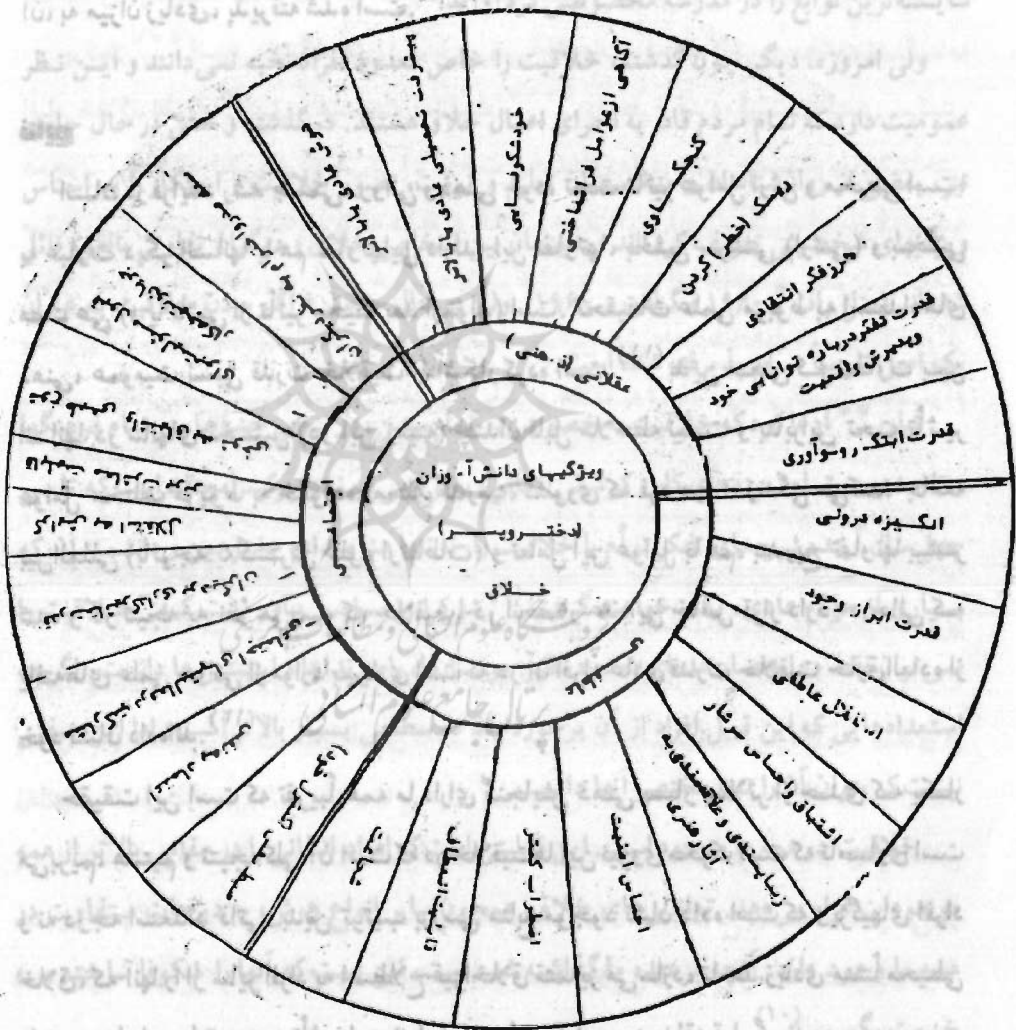
نتایج

انسان در فرایند رشد جسمی، روانی و ذهنی خود، تحت تأثیر عوامل ارثی و محیطی است؛ به عبارت دیگر انسانها با هم تفاوت‌هایی دارند؛ این تفاوتها، بخشی سرشتی (ارثی) و بخشی مصنوعی (و یا ناشی از تأثیر محیط بعد از تولد) است. تحقیقات علمی مربوط به استعداد های ذهنی، عمومیت نسبی قدرت خلاقیت را آشکار کرده است. ^(۱۱) بدین معنی که تفاوت بین انسانها در سالهای نخستین (در این زمینه) چندان قابل ملاحظه نیست و بنابراین تحت تأثیر عوامل مختلف مربوط به خانواده، محله، مدرسه، کشوری که فرد در آن زندگی می‌کند، جامعه بین‌المللی (باتوجه به گسترش علوم ارتباطات) و تعامل این عوامل با هم، بتدریج تفاوتها بیشتر شده و در نتیجه به نظر می‌رسد که خلاقیت، در انحصار عده‌ایی خاص قرار دارد؛ درحالی که یافته‌های علمی حاکی از موارد بسیاری است که در آن افراد عادی قدرت خلاقیت خارق‌العاده از خود نشان داده‌اند. ^(۱۲)

حقیقت این است که تقریباً همه ما دارای گنجایش ذهنی بسیار بالاتر از حدی که بکار می‌بریم، هستیم و نتیجه کلی آن است که در خلاقیت‌ها این نیروی محرک است که نامساوی است و نه درجه استعداد ذاتی. بدین ترتیب بررسی منابع موجود نشان داده است که ویژگیهای افراد خلاق، که آنها را از سایر افراد به اصطلاح غیراخلاق متمایز می‌سازد، تا حد زیادی منشأ محیطی دارند و بنابراین با توجه به تأثیر این شرایط محیطی، باید مورد مذاقه قرار گیرند.

تصویر ویژگیهای دانش آموزان خلاق

شاید بتوان ویژگیهای دانش آموزان خلاق را بر حسب تحقیقاتی که بدانها اشاره شده، در مجموع، بگونه ذیل به تصویر کشاند:



در ارتباط با این ویژگیها، نکته حائز اهمیت این است که افراد خلاق، الزاماً دارای همه این

ویژگیها به یک اندازه نیستند. چه بسا ممکن است، میزان بروز هر یک از صفات مذکور در افراد خلاق متفاوت باشد؛ در هر صورت به نظر می‌رسد هر کس تعداد بیشتری از این مختصات را داشته باشد خلاق تر است. با وجود این، همان طوری که نشان داده شد، ویژگیهای افراد خلاق، صرفاً خصوصیتی هستند که به صورت استعداد یا آمادگی بالقوه و نه بالفعل، در همه انسانها موجود است و لذا جز افرادی که از لحاظ فیزیولوژیک، به ضعف نیروهای ذهنی مبتلا هستند، تقریباً تمام دانش‌آموزان می‌توانند در شرایط مناسب، جوهر انسانی وجودشان (استعدادهای ذاتی) را تحقق بخشند. بنابراین خلاقیت عبارتست از: "توانایی ذهنی" که تقریباً در همه انسانها وجود دارد و تنها در افرادی که در شرایط مناسب قرار دارند، به صورت یک اثر یا انگاره جدید و متفاوت ظاهر می‌شود.

خلاقیت در این معنی، به زمینه‌ای خاص محدود نمی‌شود و می‌تواند در هر رشته از معارف بشری، به صورت یک امر نو و تازه ظاهر شود. این رویکرد نظری، اقدامات عملی جدیدی را ایجاد می‌کند که با وضعیت موجود تفاوت دارد و بنابراین بازنگری در روشهای پرورش استعداد های خلاق (به سبک معمول در مراکز آموزشی) را ضروری می‌نماید.

۱. ...
 ۲. ...
 ۳. ...
 ۴. ...
 ۵. ...
 ۶. ...
 ۷. ...
 ۸. ...
 ۹. ...
 ۱۰. ...

منابع و مأخذ

- ۱- جاویدی، طاهره: بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با خلاقیت کودکان؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳، ص ۲۹.
- ۲- همان، ص ۳۰.
- ۳- همان، ص ۱۰۴.
- ۴- دادستان، پررخ: هوش و خلاقیت، نشریه استعداد‌های درخشان، سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان، شماره یک، سال دوم، تهران، بهار ۱۳۷۲، صص ۱۵-۱۶.
- ۵- جاویدی، طاهره، پیشین، ص ۲۸.
- ۶- شل کراس، دوریس جی: آموزش رفتار خلاق و استعداد‌های درخشان در دانش‌آموزان، ترجمه مجتبی جوادیان، مشهد انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹، ص ۸۱.
- ۷- مک‌آلیر، نیل: خلاقیت، ترجمه ترانه فرخواد، کیهان فرهنگی، شماره ۴، سال ششم، مؤسسه کیهان، تهران، ۱۳۷۲، صص ۲۴-۲۵.
- ۸- شوون، رمی: سرآمدها، ترجمه محمود میناکاری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۶، صص ۶-۷.
- ۹- مک‌آلیر، نیل، پیشین، ص ۲۵.
- ۱۰- شل کراس، دوریس جی، پیشین، صص ۱۰-۹.
- ۱۱- اسپورن، الکس اس: پرورش استعداد‌های همگانی، ابداع و خلاقیت، ترجمه دکتر حسن قاسم‌زاده، انتشارات نیلوفر، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۲.
- ۱۲- همان، ص ۱۲.

در ارتباط با این رویکردها، نکته حائز اهمیت این است که افراد خلاق، الزاماً دارای همه این